

عمق رؤیاهای آب

نذرشدهای غواص که در عملیات کربلای ۴ به ارونند زدند و دیگر برنگشتند

حمیدرضا عسگری مورودی
نویسنده و فعال فرهنگی

همین نزدیکی‌ها غواص‌های «کربلای ۴» در عمق رؤیاهای آب خواب رفته‌اند! بگویند «شیرودی» بر این رود پروانه بریزد صبح، پشت چشمان ساحل صف بسته است! پاورکنید گردان گم شده شب این «جزیره» را هم «مجنون» کرده است!

یک «آب شناسان» می‌خواهیم جاری‌تر از نام‌ناشنای خیابان پایتخت که آب‌های سرگردان و سرکش را پای درس تشنگی بنشانند! در همین حوالی زخمی فریاد ثانیه‌ها بلند است! و دقیقه‌های بی‌قرار «هور» در دست عقربه‌های نیش‌دار جان می‌دهند! بگویند تا بی‌نهایت تغزل قناری بفرستند!

در مجاورت این نیستان باغ انار و افاقی میل شکفتن دارد! این معبر از آواز آواز «باکری» در شب سرخ شاپرک‌ها لبریز است! و ما گاهی دریا گاهی آسمان و گاهی در هیچ بیج می‌خوریم!

نمی‌دانیم «فکه» فصل چندم زخم بود! و بلوطهای گمشده «والفجر» در کدام زمستان این رمل شکفتند! تا این جا یک نفس باریده‌ایم! اما هنوز پروانه‌های این کانال ad نشده‌اند! بگویند فرصت سبز «دوکومه» بر عصر دیجیتال و بیبال سایه بگسترند!

کتبینه زخم



سایه‌ها از عجلات کربلای ۴ / پوزه‌های کلان‌پاهاش را لشکر ۱۴ مغم حسین © عصر پوزه‌های ماه ۱۳۶۵ / ساحل ارنود

روایت موازی از دفاع مقدس و دفاع از حرم

زینب رنجبری نیز که از اولین رمانش با عنوان «از زمانی که ابراهیم سوخت» به تازگی رونمایی شده است، می‌گوید: در دوران جنگ تحمیلی کودک نوپایی بودم که به دلیل زندگی در خوزستان و شهر اهواز و به جبهه رفتن پدرم و بیماران زادگاهم مسجد سلیمان، جنگ را با جان و دل حس کرده‌ام. از دوران نوجوانی چون به نویسندگی علاقه‌مند بودم در دوره‌های آموزشی داستان‌نویسی شرکت کردم و اولین داستان کوتاه‌ام در همان موقع نوشتم. اما نوشتن به طور حرفه‌ای را در دوران دانشجویی با نوشتن داستان کوتاه برای شهدای دانشگاه تهران آغاز کردم که حاصل آن در دو مجموعه داستان کوتاه با نام «از ستاره تا خورشید» به چاپ رسیده است.

رنجبری صحبت‌هایش را با اشاره به موضوع کتابش ادامه می‌دهد: رمان «از زمانی که ابراهیم سوخت» روایتگر موازی دو همسر شهید است؛ یکی همسر شهید مدافع حرم و دیگری همسر شهیدی از دفاع مقدس. این دو نفر با وجود درد مشترک و ویژگی زیستی مشترکی که در آن به سر می‌برند از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی و تاب‌آوری در برابر مشکلات و جامعه‌ای که هر کدام قرار است در آن به‌عنوان همسر شهید مسئولیت‌هایی را بر دوش بکشند، متفاوتند. اما این تفاوت واکنش‌های مختلفی را در هر کدام رقم می‌زند و زمانی که این دو به هم می‌رسند، شخصیت خودساخته و قوی‌تر باعث رشد و تعالی شخصیت ضعیف‌تر می‌شود. در حقیقت من خواستم از مصایب و مشکلات یک همسر شهید مدافع حرم بعد از شهادت همسرش بگویم. زنی با دو فرزند کوچک که ناگهان زندگی خود را در میان تبعات مختلف جنگ می‌بیند که ناخواسته بر او تحمیل شده است.

وی در پاسخ این سؤال که چه شد موضوع زندگی همسران شهدای مدافع حرم و شهدای دفاع مقدس را برای نوشتن انتخاب کرد، بیان می‌کند: جنگ در سوریه و حضور مدافعان حرم از ایران و به تبع آن شهیدانی که به وطن وارد می‌شدند، دغدغه شناخت این شهیدان و خانواده آنها و مسائل و مشکلات متفاوتی که از خانواده‌های شهدای دفاع مقدس شنیده بودم من را بر آن داشت که به این موضوع توجه خاص داشته باشم.

البته حدود یک سال و نیم صرف شد تا به چهارچوب داستانی که می‌خواستم رسیدم. در این مسیر شرکت در گروه نویسندگان خوشفکر و راهنمایی‌های استاد شهریار عباسی راهگشای من شد. من برای نوشتن کتابم از کتاب «راز پلاک سوخته» دستنوشته‌های شهید مدافع حرم مهدی طهماسبی که خاطرات روزانه و مستنداتی از منطقه جنگی سوریه بود به‌عنوان منبع استفاده کردم.

رنجبری درباره اینکه در داستان یا رمان باید چه نکاتی از زندگی شهدا



در گفتگوی «ایران» با نویسنده‌گانی که رمان اول‌شان به تازگی منتشر شده مطرح شد

طعم شیرین نوشتن از تلخی‌ها و مصائب جنگ

مرجان قندی
خبرنگار

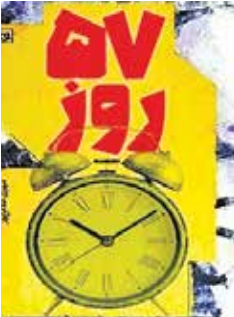
حماسه انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و پس از آن مجاهدت‌های مدافعان حرم مشحون از وقایع مهم و اثرگذاری است که شایسته تبیین و انتقال به نسل آینده است. چاپ و نشر کتاب یکی از ماندگارترین راه‌های آشنایی با این دوران است. در ۵ سال گذشته چاپ کتاب‌های حوزه دفاع مقدس در مقایسه با کل کتاب‌های منتشر شده در کشور از ۱۱/۵ درصد به ۱۹/۵ درصد رسیده که در این مدت استقبال از آثاری که در قالب رمان و داستان منتشر شده بسیار بیشتر از قالب‌های ادبی دیگر بوده است. البته در رونق بازار کتاب‌های دفاع مقدس نباید نقش پررنگ

نویسندگان جوان و نوqlم را نادیده گرفت. کتاب‌های «۵۷ روز»، «از زمانی که ابراهیم سوخت» و «دورگه» از جمله رمان‌هایی با موضوع دفاع مقدس و جبهه مقاومت هستند که توسط نویسندگان نوqlم به رشته تحریر درآمده‌اند و اخیراً از سوی انتشارات «سرو» رونمایی شدند. در خصوص انگیزه و کسب تجربه‌های تلخ و شیرین نویسندگانی که رمان اول‌شان را در حوزه ادبیات پایداری نوشته‌اند با مهتری غلامپور، زینب رنجبری و سالومه اسماعیلی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

روایت زفانه از جنگ

مه‌ری غلامپور نویسنده رمان «۵۷ روز» با بیان اینکه نویسندگی در حوزه دفاع مقدس را به طور حرفه‌ای از سال ۹۷ شروع کرده است، درباره موضوع و عنوان کتابش می‌گوید: «۵۷» روز یک روایت کاملاً زنانه از جنگ است. داستان کتاب روایت زندگی زنی به‌نام مه‌ری است. او به خاطر شغل همسرش که کارمند ژاندارمری بوده از مشهد به سوسنگرد می‌رود. سوسنگرد برپایش شهر غریبه‌ای است. این زن جوان در مدتی کوتاه اتفاقاتی را در سوسنگرد تجربه می‌کند که در ۱۹- ۱۸ سال زندگی‌اش تجربه نکرده است. این خانواده در نیمه مرداد ماه ۱۳۵۹ وارد شهر سوسنگرد می‌شوند و ششم مهرماه سوسنگرد سقوط می‌کند و دهم مهرماه آزاد می‌شود. عنوان کتاب از این دوره تاریخی یعنی از نیمه مرداد تا ۱۰ مهر ماه که ۵۷ روز می‌شود، برگرفته شده که برای این خانواده پر از حوادث گوناگون است.» وی از خاطرات شیرین نوشتن این کتاب می‌گوید: چون داستان رمانم بر اساس یک واقعه تاریخی در جنگ است باید مصاحبه‌های زیادی انجام می‌دادم و در این زمینه بسیار مطالعه می‌کردم. نوشتن «۵۷ روز» این‌طور نبود که صرفاً بتوانم از تخلم استفاده کنم و آن را بنویسم بلکه می‌بایست به اطلاعات مستند در دل داستان مثل تاریخ‌ها پیابند می‌بودم و این کار مسیر من را در نوشتن داستان سخت می‌کرد اما تجربه بسیار خوبی بود. بعد از نوشتن کتاب برای اولین بار به سوسنگرد رفتم. تا قبل از آن فقط بر اساس گزارش‌ها و کروکی‌هایی که گرفته بودم آنجا را می‌شناختم. وقتی وارد سوسنگرد شدم آنجا را مثل کف دستم بلد بودم! کوچ‌های که داستان را در آن شکل داده بودم دقیقاً همان‌طور بود که در کتاب از آن گفته بودم و بیکباره آنجا همه چیز برابم واقعیت پیدا کرد و این خیلی حس خوشایندی بود.

نویسنده کتاب «۵۷ روز» درخصوص تفاوت زاویه دید نویسنده‌ها و اینکه چه می‌شود نویسنده‌ای به موضوعی همچون ادبیات پایداری علاقه نشان می‌دهد و دیگری نه، توضیح می‌دهد: نویسنده‌ای که سمت این حوزه می‌آید حتماً خودش دغدغه دارد. نوشتن در این عرصه ملزوم به داشتن یک عامل



درونی است و با یک اتفاق بیرونی تنها رخ نمی‌دهد. من در مورد خودم این‌طور فکر می‌کنم. چون من جنگ را ندیدم و در هیچ کدام از شهرهای جنگ‌زده زندگی نکرده‌ام و شاید تا قبل از ورودم به این حوزه برای نویسندگی درک درستی از جنگ هم نداشتم. اما همیشه ذهنم درگیر این موضوع بود و سؤالات فراوانی داشتم تا زمانی که خودم در این حوزه شروع به مطالعه و نوشتن کردم. من اوایل داستان کوتاه می‌نوشتم و هر سوره‌ای که انتخاب می‌کردم در آخر آن را به جنگ ربط می‌دادم. بنابراین تصمیم گرفتم همه تلاشم را در این مسیر به کار بگیرم و به سراغ دغدغه‌های شخصی‌ام بروم. غلامپور نوشتن از برهه‌های تاریخی یک ملت و جانفشانی‌ها و سیاست‌های پیدا و پنهان آن دوره را یک ضرورت می‌داند و می‌افزاید: تاریخ‌گاهی تکرار می‌شود. حتی گاهی شخصیت‌ها هم در تاریخ دوباره تکرار می‌شوند.

به همین دلیل خواندن تاریخ و نوشتن از آن تجربه بسیار شیرین و ضروری است. من به‌عنوان کسی که رمانی درباره یک واقعه تاریخی نوشتم، دیدم که نسل امروز چقدر از این اتفاق استقبال کرد و در واقع این موضوع برایم مسجل شد که رمان و داستان‌ها هم در آینده می‌توانند به ما کمک کند تا تاریخ را به شکلی شیرین‌تر بتوانیم درک کنیم.

جنگ شهرها سوزه‌های کمتر پرداخته شده

سالومه اسماعیلی نیز که کتاب «دورگه» با موضوع دفاع مقدس و انقلاب اسلامی را برای گروه سنی نوجوان نوشته است، می‌گوید: نویسندگان برجسته‌ای در حوزه دفاع مقدس برای نوجوان‌ها کتاب نوشته‌اند؛ مثل احمد دهقان، فریبا کلهر، جمشید خانیان و... اما من هم دوست داشتم در این عرصه سهمی داشته باشم و کتاب «دورگه» را که درباره جنگ شهرها است برای نوجوانان نوشتم. وی درخصوص اینکه چرا موضوع جنگ شهرها را برای نوشتن انتخاب کرده است، تصریح می‌کند: از آنجایی که توصیه نویسندگان با تجربه به نویqlمان همواره بر این است که اولین آثار را بر اساس تجربیات زیستی خودشان بنویسند. من هم تصمیم گرفتم براساس تجربیاتی که از دوران بمباران تهران از کودکی در ذهن داشتم استفاده کنم و رمانم را براساس آن بنویسم. اسماعیلی با بیان اینکه پرداختن به موضوع دفاع مقدس در کتاب‌های کودک و نوجوان یک ضرورت است، ادامه می‌دهد: کودکان و نوجوانان که جنگ را درک نکرده‌اند باید با رشادت‌ها و دل‌آوری‌های سربازان و مدافعان کشورمان آشنا بشوند. من معتقدم خون پاک شهدای ۸ سال دفاع مقدس هیچ وقت نباید فراموش شود و نسل جوان باید بدانند آرامش امروز ما به چه قیمتی به دست آمده است. وی



که در حال نوشتن جلد دوم «دورگه» است، خاطر نشان می‌کند: من در این کتاب سعی کرده‌ام نوجوان‌ها را با مصایب جنگ آشنا کنم. اما از آنجا که جنگ تلخ است و تلخی و سختی‌های آن بسیار بیشتر از نکات مثبت‌اش است، سعی کردم با استفاده از زبان طنز از تلخی آن کم کنم تا داستان کتاب برای نوجوان‌ها ناراحت‌کننده نباشد و آنها برای خواندن داستان‌های بیشتر با موضوع دفاع مقدس مشتاق باشند.

به مانند کشورهای متخاصم، مهندسی فرهنگی معکوس داشته باشیم، ترجمه کتاب‌ها، پاتک فرهنگی مناسبی است اما کامل‌کننده آن ساخت فیلم‌ها تأثیرگذار از این مجموعه عظیم تولید محتوا شده است.

دقیقاً همان تکلیفی که رهبر معظم انقلاب در خصوص کتاب «همیای صاعقه» اشاره کردند. ایشان فرمودند: «این کتاب منبع بسیار غنی و ارزشمند است که از آن می‌توان ده‌ها کتاب و فیلم‌نامه و زندگینامه استخراج کرد.»

بی‌تعارف چند کتاب داستان و فیلم از این کتاب الهام گرفته و نوشته و ساخته شده است؟

در راستای اجرایی شدن فرمایشات مقام معظم، فرماندهی جبهه فرهنگی، نیاز به افسران با تجربه و کاربلد دارد، نه سربازانی که مشق رزم تمرین می‌کنند! بسیار خوشحالم که منویات فرماندهی معظم جبهه فرهنگی، توسط افسران جنگ نرم مورد توجه متولیان باغ موزه انقلاب و دفاع مقدس قرار گرفته تا با زبان هنر اجرایی شود. جان کلام اینکه بیابید به‌همراه پیکر مطهر شهدا، فرهنگ شهدا را هم در شهرها نهادینه کنیم، فرهنگ عشق و ایثار، فرهنگ از خودگذشتگی تا مرز بی‌نهایت. بیابید شهدای زنده متولی فرهنگ شهدا را در این راه جهادی تنها گذاریم.



ابوالفضل درخشنده
نویسنده

ادبیات دفاع مقدس و انقلاب صاحب زیاد داشته و دارد اما متولی خیر!

ادبیات دفاع مقدس به‌عنوان حلقه وصل تمام مردم ایران با تمام سلیقه‌های مختلف توانسته است اتحاد زیبایی را شکل دهد و همین قابلیت ادبیات دفاع مقدس است که مورد هجوم هدفمند جریان‌ات برانداز در جنگ نرم قرار گرفته است. حضور جریان‌ات بدلی با تفکرات مخرب از دیسیسه‌های مخرب دشمن جهت به حاشیه کشیدن فرهنگ شهادت است که بخوبی درک کرده‌اند، فرهنگ شهدا فرهنگ مهدی و ایثار و یکدلی است. ادبیات داستانی به‌عنوان مادر هنرهای نمایشی در کشورهای پیشرفته دارای جایگاه ویژه است. اهمیت این هنر تنها در تولید آثار فاخر فرهنگی-ملاک تصمیم‌گیری متولیان فرهنگی کشورها نیست. بلکه نقش ادبیات داستانی در فرهنگ‌سازی و مهندسی فرهنگی هر جامعه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. ادبیات داستانی بی‌شک زبان مشترک و مورد علاقه نسل جوان و فرهیخته هر کشوری است. توجه متولیان امر به این زبان

مورد توجه به زبان روایت؛ اولین بار در کتاب‌های مقدس شاهد روایت گذشتگان جهت پندآموزی آیندگان توسط خاندان متعال بوده است. سیره انبیا، اولیاء نیز همین‌گونه بوده است و شاید به همین دلیل است که بزرگانی مانند جناب مولانا حکایت‌های مثنوی را نوشتند، سعدی بوستان و گلستان را و در عصر حاضر شهید مطهری کتاب داستان راستان را و شهید دستغیب داستان‌های شگفت را. از این موارد بسیار است که متأسفانه اکنون فراموش کرده‌ایم که زبان نسل امروز، زبان هنر است. به همین دلیل توجه به زبان هنر جهت انتقال مفاهیم ارزشی و فرهنگ‌سازی توسط برنامه‌سازان و متولیان فرهنگی همیشه مورد توجه خاص بوده است. بی‌توجهی به تکنیک و محتوا مدت‌هاست که لبه‌جلویی نبرد فرهنگی را در اختیار عوامل نفوذی و بدلی قرار داده است! مصداق آن عدم اخراج شهید آوینی از حوزه

هنری است که تشمت رسوایی متولیان آن زمان اکنون به زمین خورده است اما چه سود که امثال شهید آوینی‌ها در غربت شهادت خود، خانه نشین شده‌اند!

مدت‌هاست که انجمن فرهنگی در اختیار برنامه‌سازانی است که رنگ و بوی فرهنگ شهدا را از عرصه کشور زوده‌اند و مصداق آن فیلم‌هایی است که در سینما مشاهده می‌کنید؛ بگذریم که سر درد دل اگر باز شود نمونه بسیار است... ادبیات دفاع مقدس و انقلاب بحمدالله صاحب زیاد داشته و دارد ولی متولی خیر! وظیفه متولی مشخص کردن تاکتیک و استراتژی در اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت است و بر اساس اهداف تریسمی آموزش و پرورش نیروهای تکنیکی برای نیل به اهداف نشانه‌گذاری شده است.

خدا را شکر مدیران فرهیخته و زمان شناس باغ موزه دفاع مقدس پس از مدت‌ها، جایگاه متولی ادبیات انقلاب را به خود اختصاص داده‌اند و در سال‌های اخیر با هدف‌گذاری و آموزش نیروهای فرهیخته و سیاستگذاری‌های اصولی و درست؛ اکنون می‌توانیم با افتخار شاهد رونمایی از دستاوردهای متولیان باشیم که درد جامعه را شناخته و راهکار درمان آن را اجرایی نموده‌اند.

اما این پایان کار در مهندسی فرهنگی کشور نیست! درست است انتقال ارزش‌ها به زبان نسل امروز با نهضت تولید محتوای ارزشمند شکل گرفته است ولی باید